



شاعرانگی رهبر معظم انقلاب در کتاب «امین شعر انقلاب» ترسیم شد

کتاب «امین شعر انقلاب» از سوی انتشارات صریح در ۲۷۴ صفحه روانه بازار نشر شد. این کتاب، نخستین اثری است که تاکنون درباره ساحت ادبی و شاعرانگی رهبر معظم انقلاب و نقش شگفت ایشان در هدایت شعر انقلاب، نوشته شده است. به گزارش خبرگزاری فارس، در این کتاب با گفتاری از غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، محمدرضا سنقری، علیرضا قزوه و... به بیان دیدگاه ها و خاطره هایی شورانگیز و خواندنی، به آفاق ادبی و شاعرانگی های امین شعر انقلاب، رهبر معظم انقلاب، حفظه... پرداخته شده است و آیت... اعرافی نیز تقریظی بر این کتاب نوشته است. این کتاب هم زمان با دیدار رهبر معظم انقلاب با بسیجیان روانه بازار نشر شد.

سرفصل های این کتاب شامل، امین شعرانقلاب از نگاه شاعران، تأملی در بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با شاعران، جستاری در باب تعهد در شعر از منظر رهبر معظم انقلاب، بزرگ ترین اتفاق ادبی بعد از انقلاب، کا ر ک د ه ا ی دیدار رهبر معظم انقلاب با شاعران، خطرات دیدار شاعران با رهبر معظم انقلاب، پاید های شعر خوب، آسیب شناسی شعر انقلاب، انجمن ه ا ی ادبی از منظر رهبر معظم انقلاب، امین شعرانقلاب در سروده های شاعران، سبک هندی درآیین ه امین و اشعار رهبر معظم انقلاب است.

دوستی ها و جدل های کامو و سارتر خواندنی شد

کتاب «کامو و سارتر» اثری از رونالد آرونسون از سوی انتشارات مهرگان خرد روانه بازار نشر شد. این کتاب نوشته رونالد آرونسون (استاد دانشگاه ایالتی وین) روایتی همه جانبه درباره دوستی و جدال بین آلبر کامو و ژان پل سارتر است. سارتر و کامو خاستگاهی متفاوت داشتند. در بخشی از کتاب این طور آمده است: «سارتر، بورژوا بود، اگرچه خودش از این لقب متنفر بود؛ اما کامو در الجزایر و با مادری بی سواد بزرگ شد. فعالیت سیاسی کامو ناشی از نگرانی او برای زندگی فقرا ی الجزایری بود. اما سارتر تنها بعد از گذراندن مدتی در اوگاد ز زندانیان جنگ جهانی دوم و سال ها پس از آنکه در جایگاه فیلسوف و نویسنده مورد تحسین بود، به سمت سیاست کشیده شد. پس از آزادی فرانسه این دو مرد به روشنفکران و نمایان اگزستانسیالیسم تبدیل شدند (برچسبی که کامو هرگز آن را نپذیرفت) و در پانزده سال پس از آشنایی اولیه و تازمان مرگ کامو، آن ها در یک سناریوی سیاسی روشن فکری و در سه پرده، نقش خود را در جهان فلسفه، سیاست و ادبیات ایفا کردند که رونالد آرونسون با ظرافت، همدلی و دقت آن را بررسی و روایت می کند.» در بخش دیگری از کتاب می خوانیم: «باورهای بد، باورهایی که با شواهد در دسترس آشکارا ناسازگاری دارند، رایج هستند. بسیاری از گروه های اقلیتی مثلا باور دارند که واکنس ها خطرناک هستند و تئوری های توطئه عجیب غریب را می پذیرند. فرآگیر شدن باورهای بد شاید از نگاه سیاسی و اجتماعی مهم باشد و مثلا راه کنشگری کارآمد برای بحران تغییر اقلیم را سد کند. از این رو، توضیح اینکه چرا افراد باورهای بد را می پذیرند و اینکه برای واداشتن آن ها به بیشتر پاسخگو شدن به شواهد باید چکار کرد، رسالتی پراهمیت است.»

رونالد آرونسون، نویسنده و ویراستار کتاب های متعددی بوده است. از جمله به تازگی «ما فقط به زندگی ما داریم؛ مقالاتی از ژان پل سارتر» و «زندگی بدون خدا؛ جهت گیری های جدید برای اتنیست ها، آگنوستیک ها و افراد بلا تکلیف» کتاب، «کامو و سارتر» توسط مؤرگان اصلیان ترجمه شده و انتشارات مهرگان خرد آن را به قیمت ۱۴۸ هزار تومان منتشر کرده است.

زین قنبر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناوبراسته ✖

... تا اینکه جوان برومندی از راهر سیدور شسته کار را به دست گرفت.

ویراسته ✔

... تا اینکه جوانی برومند از راهر سیدور شسته کار را به دست گرفت.

نکته

بهتر است یای نکره به آخر موصوف بنشیند نه صفت. بنابراین نگاهی پیروز زندانه، مردی مهربان، کتابی مفید، باغی بزرگ و جوانی برومند بهتر و درست تر است از: نگاه پیروز زندانه ای، مرد مهربانی، کتاب مفیدی، باغ بزرگی و جوان برومندی.

#زین-قنبر-پارسی

شهریار

شهریار
۲۷ شهریور
۱۳۰۲
شماره ۱۰۰۰

۱۰

فرهنگ و ادبیات

دکتر محمدجعفر یاحقی:

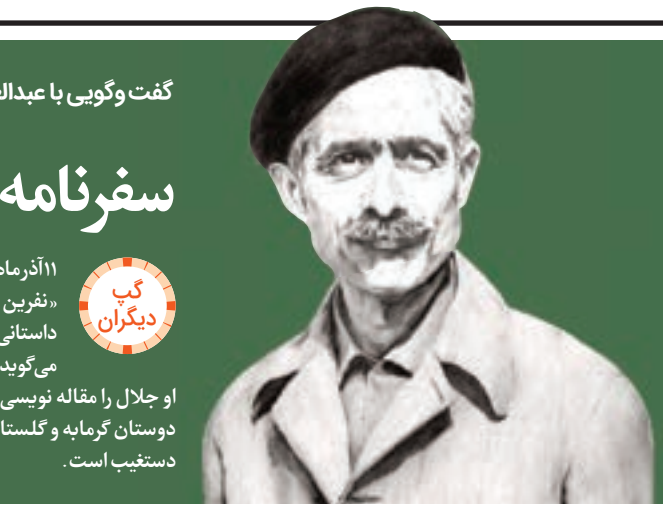
شایسته است ادبیات و فلسفه را به هم نزدیک کنیم

ادبیات به نوعی با فلسفه ربط دارد. ما باید فلسفه ادبیات هم داشته باشیم. ما در دوران تحصیل در مقطع کارشناسی، فلسفه ادبیات هم می خواندیم. استاد روان شادمان، احمد علی رجایی بخارایی، بسیار اعتقاد داشت که دانشجوی باید فلسفه بخواند، حتی از رساله های افلاطون از ما ژمون می گرفت. بنابراین، اگر ما بتوانیم ادبیات و فلسفه را به هم نزدیک کنیم که از بسیار شایسته ای است. این از عهده کسانی ساخته است که با مبادی هر دو علم آشنا باشند، اما متأسفانه در نظام آموزشی ما این آشنایی برای دانشجویان ادبیات کم اتفاق می افتد. به دانشجویان توصیه می کنم که از مسائل فلسفی و از مقولات اندیشگی فراموش نکنند. هر چیزی که توأم با اندیشه درست و منطق صحیح نباشد، باطل است. ادبیات هم باید برای خودش منطق داشته باشد.

فاطمه حسینی، ویراستار کتاب:

این کتاب جست و جوی سامانه فکری است پژوهشگر وقتی مسئله ای انتخاب می کند و چندین سال درباره اش فکر می کند، همان طور که این زیست چندساله می تواند باعث غنای پژوهش شود، ممکن است آسیب هایی را هم وارد متن پژوهشی کند و همین آسیب هاست که حضور یک ویراستار را در کنار یک پژوهشگر ضروری می کند. اولین آسیب این است که تفکر مداوم پژوهشگر درباره مسئله پژوهشی ممکن است باعث شود یک سری از مطالب در نظرش بدیهی و شفاف جلوه کند. اما از منظر یک خواننده همچنان در کتاب نقاط مبهمی وجود داشته باشد یا ممکن است استدلال هایی که می آورد از نظر خودش پسندیده و مطلوب باشد، اما وقتی قی خواننده، متن را می خواند ممکن است این استدلال ها در نظرش ناپسندیده باشد یا ممکن است مواجهه جانب دارانه با مستندات داشته باشد که باعث می شود برداشت های اشتباه، هر چند سهوی شود. به نظر من همه این نکته ها، ضرورت وجود یک ویراستار را نشان می دهد. در ویرایش این کتاب علاوه بر مسائل مرسوم که در ویرایش متن باید انجام شود به این موضوع ها هم توجه می کردیم، به استدلال ها، به برداشت هایی که از مستندات می شد تا یک دکتر فتوحی هم روی همین موضوع ها بود.

در باب خود کتاب «صورخیال متعالیه» باید بگویم که به نظر من این کتاب چند ویژگی دارد که آن را متمایز می کند از مطالعاتی که درباره صائب و صائب پژوهی انجام شده است. یکی از این ویژگی ها همان چیزی است که در عنوان فرعی کتاب آمده است: «خوانش صدایی از اندیشه های صائب تبریزی». به گمان برخی، از سال ۱۳۰۴ که محمدعلی تبریزت یادداشتی درباره صائب منتشر کرد، دوباره صائب به جامعه ادبی معرفی شده است چون از دوره قاجار و دوره بازگشتیان، علاوه بر شاعران سبک هندی، صائب هم به حاشیه رانده شده بود. از ۱۳۰۱ تا ۱۴۰۲ که «صورخیال متعالیه» منتشر شده می توانیم از یکصد سال صائب پژوهی بگویم. این کتاب در جست و جوی سامانه فکری و نظام اندیشگی صائب است و مثل پژوهش های



بهترین داستان آل احمد از نظر و نگاه شما کدام داستان است؟

به گمانم «نفرین زمین» بهترین داستان جلال است. او در این کتاب تجربیات شخصی خود را به عنوان یک معلم که برای تدریس به روستایی می رود و مردم آن روستا را خرافات زده می یابد، بیان می کند. جلال البته بیشتر از تپاسیونر بود؛ درست مانند احمد محمود و محمود دولت آبادی. این دست نویسندگان در آثارشان به تحریک سیاسی مردم می پرداختند و مردم را علیه هیئت حاکمه می شورانند.

مدیر مدرسه چطور؟ زبان پرطمطراقی دارد. از عبارت هایی مثل «همیالکی»، «ذنگ گرفته بود» و... استفاده می کند که آن روزها در ادبیات ما سابقه نداشت.

بله. درست است، اما در عین حال باید بدانید که داستان های آل احمد شکل داستان داشت. آل احمد به دلیل وجود و حضورش در کانون نویسندگان و اینکه روشنفکر تأثیرگذار و صاحب نفوذی بود، می تواند همچنان بررسی شود. او زبان صریح و رکی داشت.

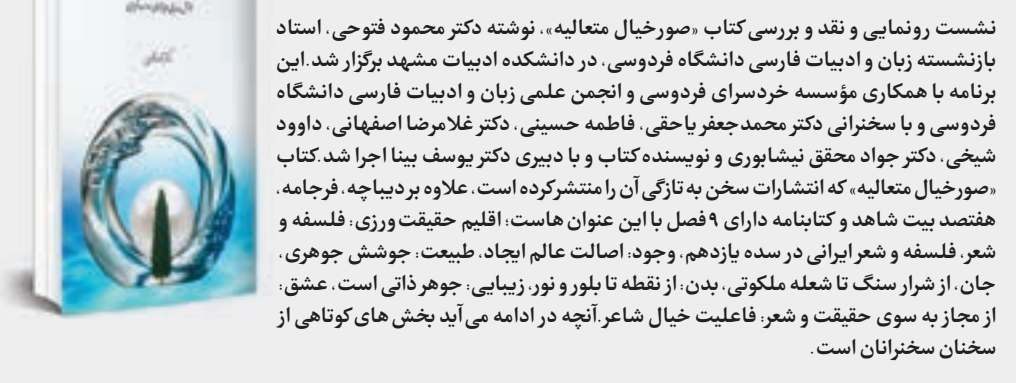
جلسه رونمایی و نقد و بررسی کتاب «صورخیال متعالیه» در دانشگاه فردوسی برگزار شد

جست و جوی اندیشه در شعر صائب



نخست رونمایی و نقد و بررسی کتاب «صورخیال متعالیه»، نوشته دکتر محمود فتوحی، استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی، و انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی و با سخنرانی دکتر محمدجعفر یاحقی، فاطمه حسینی، دکتر غلامرضا اصفهانی، داوود شیخی، دکتر جواد محقق نیشابوری و نویسنده کتاب و با دبیری دکتر یوسف بینا اجرا شد کتاب «صورخیال متعالیه» که انتشارات سخن به تازگی آن را منتشر کرده است. علاوه بر دیباچه، فرجامه، هفتصد بیت شاهد و کتابنامه دارای ۹ فصل با این عنوان هاست: اقلیم حقیقت ورزی؛ فلسفه و شعر، فلسفه و شعر ایرانی در سده یازدهم، وجود، اصالت عالم ایجاد، طبیعت، جوشش جوهری، جان، از شرار سنگ تا شعله ملوکوتی، بدن، از نقطه تا بلور و نور، زیبایی، جوهر ذاتی است. عشق، از معاز به سوی حقیقت و شعر؛ فالیت خیال شاعر آنچه در ادامه می آید بخش های کوتاهی از سخنان سخنرانان است.

خادم



است. در «صورخیال متعالیه» فرض بنیادینی که از دیرباز در تاریخ فلسفه و نخست بار به واسطه افلاطون وارد ادبیات فلسفی شده و گسترش پیدا کرده، یعنی کشاکش فلسفه و شعر بررسی شده است. این کهن کشاکش در سنت یونانی، نخستین بار از سوی افلاطون بیان می شود. آقای دکتر فتوحی در فصل نخست اثر، این موضوع را زمانی کار قرار داده و سپس کوشیده اند برای نخستین بار پژوهشی را پیش بگذارند که نسبت یک شاعر و یک فیلسوف را در تاریخ ادبیات مابرسی می کند. از دیگر نکات درخشانی که این کتاب دارد این است که همچنان پاسخ بسیار خوبی است بر صائب پژوهان معاصر که تن می زنند از اینکه به دیوان صائب به مثابه یک کل نگاه کنند و درگیر نوعی تک بیت گرایی های سانتی مانندال و احساسات گرایی سطحی نسبت به دیوان صائب می شوند که اگر بخواهیم را دیکال تر صحبت کنیم بر بنیاد نوعی نیهیلیسم و پوچ گرایی نسبت به شعر صائب برمی آیند. در صورتی که نویسنده این اثر به خوبی نشان داده است که صائب به هیچ وجه نیهیلیست نیست؛ چرا که صائب در کلیت دیوان خودش مبنایی حکمی را به انتقال می دهد و اساسا حکیم از آن رو که در دامن حکمت قرار دارد، نمی تواند نیهیلیست باشد.

دکتر جواد محقق نیشابوری:

تفسیر رنگ دانه های حکمت در شعر صائب داستان صائب با داستان همه شاعران سبک هندی فرق می کند. شعر صائب پیچیدگی ها و ظرافت فوق العاده ای دارد که فهم و درک آن کار ساده ای نیست و فرد حتما باید غور و سال ها تأمل کند تا بتواند این ظرایف را

دکتر غلامرضا اصفهانی:

تلاشی برای نسبت دادن امر بومی و جهانی است. کتاب اثری چندوجهی است. مهم ترین ویژگی ای که در پژوهش های ایشان [دکتر محمود فتوحی] نظر بنده را جلب می کند، نسبتی است که ایشان می کوشند بین امر بومی و امر کلی برقرار کنند. آثار ایشان از این لحاظ، نقطه عطف است که نه چندان در دوره نظریه گرایی فروغلتیده اند و نه چندان در سطح مسائل عرفی و متداول حوزه ادبیات باقی مانده اند. همواره سعی می کنند که بین این دو حوزه نسبت دقیقی را برقرار کنند. از این رو آثار ایشان محل درنگ است. کتاب «صورخیال متعالیه» هم به گمان بنده همین راه را پیش گرفته و سعی کرده اند میان این دو حوزه نسبت دقیقی برقرار کنند. همان طور که ارسطو می گوید، ادبیات و شعر اساسا پدیده ای بومی است. پژوهش های دکتر فتوحی هم این ویژگی را دارند که اول اینکه شعر را به عنوان امر بومی نگاه می کنند و بعد سعی می کنند از امر بومی در پیچه ای باز کنند به سمت امر جهانی و کلی و این به دید بنده نکته درخشان پژوهش های ایشان

دریابد.

من شعر را این طور می بینم که مثلا قیصر امین پور گفته است؛ که شعر آیین ناگهان است. نزار قبانی در کتاب «من و شعر» می گوید از من می خواهند شعر را تعریف کنم. اما نمی توانم. چرا که شعر مانند رقص است و یک رقصنده هر وقت به حرکت پا های خودش توجه کند از رقص بازمی ماند. شعر امکان جولان دادن به عواطف و احساسات است. شعر همان جاهایی که به بند کشیده می شود شعریتش می آید پایین و آن وقتی که شعریتش بالا می گیرد زمانی است که اندیشه می رود و جولان با روح و هنر است. به نظر من شاعر کار از پیش تعیین شده ای ندارد.

دیگر اینکه شعر تصویری است از همه عرصه های زندگی، یعنی در شعر ناسزا و غم و شادی و عشق زمینی و آسمانی و حکمت هم هست. اینکه حکمت هم هست به آن معنی نیست که شاعر آگاهانه می خواهد کاری بکند که چیز دیگری را به بند شعر بکشد. بلکه شعر جلوه ای است از همه ابعاد زندگی. فرد در معرض شهودی قرار می گیرد که جنش لزوما اندیشگی نیست. به قول اخوان ثالث، شعر حاصل لحظاتی است که شاعر در پرتو شعور نبوت قرار می گیرد. یعنی خبری از جایی به او می رسد که خودش هم نمی داند. این به ما هیت شعراست. بنابراین، شاعر اگر حکمتی هم دارد در لحظه ای که می خواهد شعر بگوید از آن بی خبر است. منتها رنگ دانه های فلسفی که در ذهنش است خود به خود در شعرش ظهور پیدا می کند. بنابراین، یکی از ارزش های این تحقیق به این است که داران رنگ دانه ها را تفسیر و تبیین می کند.

دکتر محمود فتوحی:

شعر نوعی اندیشیدن است

ضمن سیاست گذاری از همه حضار و سخنرانان. دیدگاهی متفاوت با دکتر محقق دارم. من شعر را از منظر اندیشه نگاه می کنم. شعر نوعی اندیشیدن است. خود صائب بارها اشاره کرده است که به زور فکر به این طرز دست یافتم. در باب لحظه سرودن شعر اگر بخواهیم صحبت کنیم موضوع دیگری است که من در کتاب هیچ بحثی درباره آن نکرده ام. آنچه من به عنوان خویشاوندی شعر و فلسفه بر آن تأکید دارم، نتایج حاصل از آن هاست. وقتی می گویم دو رویه ایجاد حقیقت است، یعنی هم فیلسوف حقایق جدید را می آفریند و هم شاعر. مگر نه اینکه فردوسی حقایق را آفریده به نام ایرانیت که ما هیچ گریزی از آن در طول ۱۰ قرن نداشته ایم. یا حقایقی که سعدی و مولانا بر ساخته اند. حال این حقایق بر اثر تخیل ساخته شده باشد یا با روش تعقل بحث دیگری است. بحث من بر سر نتایجی است که سخن در دو حیطه ایجاد می کند که حیطه شاعرانگی و حیطه تفلسف است. نتایجش مثل هم و هر دو اقلیم ایجاد حقیقت هستند. نگاه ناظر بر نتایج حاصل از سنن است. یک مشابهنه و خویشاوندی دو قلمرو در این است که هر دو در میدان زبان این حقیقت را ایجاد می کنند.

قائل بود و دوستش می داشت.

ترجمه های جلال از زبان فرانسه چگونه بود؟ قمارباز داستایفسکی و بیگانه نوشته کامو که اغلب اهل ادبیات آن را دارند و خوانده اند. الان ترجمه های جدید و مترجمان جدید وارد عرصه شده اند. ترجمه های جلال با همان زبانی بوده که خود آموخته و شکسته بسته یاد گرفته بود. تلاشش در همان حد بود، نه بیشتر و نه کمتر.

جلال معمولا در چه عرصه هایی موفق ظاهر می شد؟ به مدیر مدرسه اشاره کردید که آن هم به دلیل تجربه خودش در کسوت یک معلم است. هر جا که جلال تجربیاتش را مستقیم بیان می کند برای مخاطب جالب توجه است. این را هم بگویم که جلال همواره خودش بود، آدمی عصبی مزاج و عجول. مجموعه ای هم با عنوان «یادداشت های شتابزده» دارد. صریح، با کسبی و چیزی تعارف نداشت.

در داستان نویسی از چه اعتباری برخوردار بود؟

اگر او را با مثلا صادق چوبک مقایسه کنیم، می بینیم که چوبک به مراتب از او جلوتر است. البته چوبک داستان های ضعیف هم زیاد دارد، اما جلال هر جا که خودش بوده و تجربیات زیسته خودش را به رشته تحریر درآورده، نوشته هایش، شکلی از داستان پیدا کرده است. اما امروز او را به عنوان روشنفکری نوشته است باید به یاد آوریم. سفرنامه های جلال ماندگار است.

